

بعد عملکردی و سرمایه اجتماعی در فضاهای شهری تهران، مورد مطالعاتی: محله‌های سعادت‌آباد، نازی‌آباد و نارمک

سید مجید نادری^{*}

۱. استادیار گروه شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، واحد تهران غرب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۶/۱۷ تاریخ اصلاحات: ۹۹/۰۹/۱۶ تاریخ پذیرش نهایی: ۹۹/۱۰/۱۳ تاریخ انتشار: ۹۹/۱۲/۳۰

چکیده

محله از دیرباز پویایی اجتماعی خود را در گرو فضاها و مکان‌های خود یافته است. به نظر می‌رسد از یک سو، تعاملات و روابط ساکنین در فضاهای عمومی محله شکل گرفته و از سوی دیگر فضاهای عمومی محله، هویت خود را از حیات اجتماعی موجود باز می‌یابد. از این‌رو، تمایزات میان ساختار عملکردی محله‌ها می‌تواند منجر به تغییر در ظرفیت‌های اجتماعی محله باشد. روش‌شناسی پژوهش حاضر کمی و با هدف شناسایی رابطه بین مؤلفه‌های بعد عملکردی و سرمایه اجتماعی ساکنین شهر تهران انجام شد. در یک طرح توصیفی-همبستگی ۳۰۰ نفر از ساکنین محله‌های سعادت‌آباد، نازی‌آباد و نارمک به روش نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب شدند و به پرسش‌نامه خودتنظیم پاسخ دادند. داده‌ها با استفاده از روش‌های آمار توصیفی و ضریب همبستگی پیرسون مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج نشان داد که بین همه مؤلفه‌های بعد عملکردی و سرمایه اجتماعی به‌طور کلی رابطه مثبت و معنی‌دار وجود دارد. بعد اختلاط کاربری بیش‌ترین رابطه را با سرمایه اجتماعی داشت و کاربرد فضا در پاسخ‌گویی به نیازها و کارایی شبکه و راحتی در فضا در مراتب بعدی قرار داشتند. در مورد رابطه بین مؤلفه‌های بعد عملکردی و سرمایه اجتماعی به تفکیک محله نتایج نشان داد که محله سعادت‌آباد کم‌ترین رابطه و دو محله نازی‌آباد و نارمک بیش‌ترین رابطه را داشتند. ارزیابی این روابط می‌تواند به متخصصان شهرسازی کمک کند تا زمینه را برای ارائه راهکارهایی جهت بهبود و کارآمدی فضاهای عمومی شهری و مداخلات برای افزایش سرمایه اجتماعی فراهم کنند.

واژگان کلیدی: فضاهای عمومی شهری، سرمایه اجتماعی، بعد عملکردی، اختلاط کاربری، تراکم، طراحی محیطی، شبکه کلان.

۱. مقدمه

پژوهش‌ها در مبحث سرمایه اجتماعی^۱، محله را به‌عنوان فضای کالبدی شهری مهمی شناسایی کرده‌اند که در آن شبکه‌های اجتماعی غیررسمی فرآیندهای مهم برای رفاه و کیفیت زندگی را ایجاد می‌کنند (Cattell, 2001; Forrest & Kearns, 2001; Hays & Kogl, 2007). به واقع، محله از دیرباز پویایی اجتماعی خود را در گرو فضاها و مکان‌های خود یافته است. از این‌رو، بخش عمده‌ای از پژوهش‌ها در این زمینه ضرورت توجه به تعامل بین شبکه‌های اجتماعی، سرمایه اجتماعی و ارتباط مردم با مکان(های) را که در آن فعالیت‌های اجتماعی تعبیه شده است مورد توجه قرار می‌دهند (Jorgensen, 2010). به نظر می‌رسد از یک سو، تعاملات و روابط انسانی در کالبد و عملکرد شهر شکل گرفته و از سوی دیگر کالبد و عملکرد، هویت خود را از حیات اجتماعی موجود باز می‌یابد. این امر صاحب‌نظران شهرسازی را به دنبال فهم هر چه بیش‌تر محله به‌عنوان یک موضوع معنادار برای کسانی که در آن ساکن هستند سوق داده است. بدین‌معنا که هر چه یک محله بتواند با شهروندان خود از طریق ویژگی‌های کالبدی و کارکردی ارتباط ایجاد کند؛ در شکل‌دهی سرمایه اجتماعی آنان نقش بیش‌تری را خواهد داشت (Grant, 2002). از دیرباز محله به‌عنوان شاخص‌ترین فضای شهری مؤثر بر تعاملات اجتماعی ساکنین مورد مطالعه پژوهشگران بوده است (Forrest & Kearns, 2001). درک رابطه سرمایه اجتماعی با فرض این‌که تعامل اجتماعی در سطح محلی رخ می‌دهد، مبنایی برای انسجام اجتماعی و فعالیت‌های اجتماعی ساکنین محسوب می‌شود. از این‌رو، ابعاد کیفی طراحی شهری نظیر بعد عملکردی می‌تواند تأثیر قابل‌توجهی بر رفتار و سرمایه اجتماعی ساکنین داشته باشد. به فراخور مؤلفه‌های مختلف بعد عملکردی نظیر کاربرد فضاها، عمومی، اختلاط کاربری و تراکم، طراحی محیطی و شبکه معابر در محله‌های شهر، سطح تأثیرپذیری و گونه ارتباط افراد با آن‌ها متفاوت بوده و در نتیجه میزان، شدت و نوع تعاملات جاری در فضاها مختلف یکسان نخواهد بود. کرمونا (۲۰۰۸) معتقد است که عملکردهای متنوع و آزادی فعالیت‌های اجتماعی قابل قبول از مواردی است که موجب ارتقاء عملکرد محیط شهری می‌شود که می‌تواند مشارکت مدنی ساکنان را در محله تحریک کرده و بر حضور و مشارکت آن‌ها در مکان‌ها تأثیر گذارد. وایت (۱۹۹۰) معتقد است که ساختار خیابان بر الگوهای رفتاری افراد تأثیر دارد و روابط مؤلفه‌های عملکردی بین خیابان‌ها یکی از مهم‌ترین متغیرها در ایجاد تعامل و توسعه روابط اجتماعی میان افرادی است که در یک محله زندگی می‌کنند. هرنیک^۲ (۲۰۱۲) نیز تأکید می‌کند که تعدد جریان‌های حرکتی شبکه معابر موجب افزایش میزان تعامل ساکنان و دیگران شده و فرصت‌های بیش‌تری را برای پویای اجتماعی در محله شکل می‌دهد.

در این راستا، چندین مطالعات رابطه بین بعضی از مؤلفه‌های بعد عملکردی و سرمایه اجتماعی را مورد بررسی قرار گرفته است (Hanson & Hillier, 1987; Ba-; Grant, 2002; gheri & Amouei, 2019). شواهد نشان می‌دهند که هر چه تراکم بیش‌تر باشد و فضایی مناسب برای پیاده‌روی، دوچرخه‌سواری و حمل‌ونقل عمومی فراهم باشد تعاملات اجتماعی بهبود می‌یابد (Carmo-na, 2008). این پژوهش‌ها تأکید دارند افرادی که در مکان‌هایی با هویت فیزیکی قوی زندگی می‌کنند، ترغیب می‌شوند تا بیش‌تر با یکدیگر و محیط ارتباط برقرار کنند و سرمایه‌های اجتماعی بسازند (Dale, Ling, & Newman, 2008). افزون بر بعد عملکردی، سرمایه اجتماعی یک عامل مهم برای فرآیند طراحی و برنامه‌ریزی شهری محسوب می‌شود (Manzo & Perkins, 2006). بنابراین، بسیاری از طرح‌های ارتقای کیفیت محیطی تلاش می‌کنند تا سرمایه اجتماعی را برای دستیابی به اهداف کیفی محیطی به کار گیرند. ادبیات نشان می‌دهد که شبکه‌های اجتماعی قوی منجر به حمایت بیش‌تر از سیاست‌های حمایتی محیط کالبدی و عملکردی شهر می‌شوند (Dean et al., 2016). قابل ذکر است که در مطالعات پیشین رابطه مؤلفه‌های بعد عملکردی و سرمایه اجتماعی در بین فضاها شهری که از لحاظ ماهیت فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی با هم متفاوت هستند، کم‌تر مورد توجه قرار گرفته است. لذا، در این پژوهش به شناسایی رابطه بین مؤلفه‌های بعد عملکردی و سرمایه اجتماعی در سه محله شهری سعادت‌آباد، نازی‌آباد و نارمک پرداخته شده است. ضمن آن‌که بعد عملکردی و سرمایه اجتماعی را در سه فضای دارای هویت مجزا مقایسه کردیم. به نظر می‌رسد تمایزات میان ساختار عملکردی این محله‌ها منجر به تغییر در ظرفیت‌های اجتماعی باشد. از این‌رو، فرضیه‌های اصلی پژوهش حاضر عبارت‌اند از:

۱. مؤلفه‌های بعد عملکردی فضای شهری در شهر تهران با سرمایه اجتماعی شهروندان دارای رابطه می‌باشند.
۲. رابطه بعد عملکردی و سرمایه اجتماعی در محله‌های سعادت‌آباد، نازی‌آباد و نارمک متفاوت است.

۲. ادبیات پژوهش

با بررسی ادبیات مفاهیمی همچون سرمایه اجتماعی می‌توان دریافت که صاحب‌نظران مختلف در شاخه‌هایی همچون علوم انسانی، روان‌شناسی، علوم اجتماعی و جغرافیای انسانی تعابیر مختلفی را بیان نموده‌اند. بعد عملکردی طراحی شهری هم از این قاعده مستثنی نبوده و با تعاریف و نظرات مختلفی روبرو است. در این پژوهش سعی شد مروری جامع بر این ادبیات انجام شده و کاربردی‌ترین تعاریف مورد بررسی قرار گیرد.

۲-۱- سرمایه اجتماعی

سرمایه اجتماعی را مجموعه‌ای از هم‌تنیده از پیوستگی‌ها،

(nam, 2013).

سرمایه اجتماعی مجموعه‌ای از هنجارهای سیستم اجتماعی است که باعث افزایش سطوح همبستگی و همکاری اعضای جامعه و پایین آمدن سطح هزینه تعاملات و ارتباطات می‌شود (Fukuyama, 2006). اعتماد یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های سازنده سرمایه اجتماعی می‌باشد که منجر به همکاری، مشارکت و تعاملات میان افراد در گروه‌های اجتماعی شده و به گسترش و تسهیل روابط اجتماعی فرد با سایر افراد جامعه می‌انجامد. وجود اعتماد و سرمایه اجتماعی می‌تواند پایداری جامعه را حفظ نماید. به عبارت دیگر اعتماد است که مشخص می‌کند هنجارها و سیستم‌ها در یک اجتماع، به پایداری دست یابند (Grootaert, Narayan, Jones, & Woolcick., 2005). بنابراین، سرمایه اجتماعی به معنی روابط و تعاملات اجتماعی است که میان افراد بر اساس هنجارهای اجتماعی شکل می‌گیرد و منجر به اعتماد میان فعالان اجتماعی می‌شود. این تعاملات در شبکه‌های اجتماعی رخ داده یا منجر به تولید شبکه‌های اجتماعی می‌شود و در نهایت باعث رسیدن به اهداف مشترک کنشگران می‌شود. بنابراین سرمایه اجتماعی به‌طور ذاتی مادی نیست، در فرد هم وجود ندارد؛ بلکه، در روابط بین افراد وجود دارد و آنجا ظاهر می‌شود (Putnam, 2013). سرمایه اجتماعی در اصل محصول آشنایی انسان‌ها با یکدیگر است و از خاستگاهی چون اعتماد نشأت می‌گیرد در زندگی افراد نتایج مثبتی را به دنبال دارد.

پیوندهای ارتباطی و ارتباط‌های پیوندی است که مفهوم پیوستگی به ارتباطات، تعاملات کنش‌ها و روابط اجتماعی افراد در عرصه‌های اجتماع‌پذیر جامعه یا نهادها اشاره دارد. سرمایه اجتماعی به بیان ساده، محصول آشنایی انسان‌ها با یکدیگر است و از خاستگاهی چون آشنایی و اعتماد جان می‌گیرد و به نتایج مثبتی در زندگی افراد می‌انجامد (Sey-2009, daei, Shapoor Abadi, & Moein Abadi). بولن (۱۹۹۸) ابعاد و شاخص‌های سرمایه اجتماعی را مشارکت در اجتماع محلی، فعالیت در متن جامعه، احساس اعتماد و امنیت، ارتباطات همسایگی، مرادوات با دوستان و فامیل، ظرفیت پذیرش تفاوت‌ها، پیوندهای کاری و ارزش زندگی معرفی می‌نماید. از دیدگاه کلمن (۱۹۸۸) سه شکل از سرمایه اجتماعی عبارت‌اند از: تعهدات، انتظارات و قابلیت اعتماد در ساختار اجتماعی، دوم شبکه‌های اطلاعاتی و در نهایت هنجارهای مؤثر (Eriksson, 2010). از نظر بورديو سرمایه اجتماعی حاصل انباشت منابع بالقوه و یا بالفعلی است که مربوط به مالکیت یک شبکه بادوام از روابط کم و بیش نهادینه شده در بین افرادی است که با عضویت در یک گروه ایجاد می‌شود (Bourdieu, 1983). همبستگی و انسجام، احساس مسئولیت بین چند نفر یا چند گروه است که از آگاهی و اراده لازم برخوردار باشند و دارای یک معنای اخلاقی است که تضمین‌کننده وجود اندیشه، یک وظیفه یا الزام متقابل است و نیز معنای مثبتی که از آن استنباط می‌شود، وابستگی متقابل عملکردها، اعضا و یا موجودات در یک کلیت ساختاریافته را می‌رساند (Put-

جدول ۱: سرمایه اجتماعی از دیدگاه نظریه پردازان

منبع	سرمایه اجتماعی	نظریه پرداز
(Bahrani & Aminzadeh, 2006)	مشارکت اجتماعی، تعهد اجتماعی، میزان توانمندی، احساس عضویت در اجتماع و شبکه‌های اجتماعی.	بریانت و نوریس
(Putnam, 2013)	اعتماد، هنجار و شبکه‌ها (آگاهی، مشارکت و نهادهای مدنی)	پاتنام
(Cited by Bowles & Herbert, 2000)	مشارکت در اجتماع محلی، فعالیت در متن اجتماع، احساس اعتماد و امنیت، ارتباطات همسایگی، مرادوات با دوستان و فامیل، ظرفیت پذیرش تفاوت‌ها، پیوندکاری و ارزش زندگی	بولن و اون کیس
(Fukuyama, 2006)	میزان جرم و جنایت، فروپاشی خانواده، مصرف مواد مخدر و طرح دعاوی و شکایت	فوکویاما
Organization for Economic Cooperation & Development)	مشارکت اجتماعی، حمایت اجتماعی و شبکه اجتماعی مشارکت مدنی	سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه
(Bahreini & Aminzadeh, 2006)	ارزش‌ها، شبکه‌ها و هنجارهای همیاری	هومفریس و دینن
(Bahreini & Aminzadeh, 2006)	پیوند همسایگی، شبکه اجتماعی و مشارکت مدنی اعتماد اجتماعی	لیدن و کوین
World Bank Research Group (WB, 2001)	گروه‌ها و شبکه‌ها، اعتماد و همکاری، فعالیت‌های جمعی، اطلاعات و ارتباطات و همبستگی	بانک جهانی
(Tajbakhsh, 2005)	پیوند همسایگی، شبکه اجتماعی و مشارکت مدنی درآمد خانوار، وضعیت شغلی، دین، آموزش، سن، اندازه خانوار، جنس و مشارکت زنان	لی، پیکلز و ساویچ

از آنجا که فعالیت‌های روزمره در فضاهای عمومی شکل می‌گیرد، انجام برخی از فعالیت‌ها به استفاده از فضاهای شهری بستگی دارد؛ ولی، برای بسیاری از افراد و بسیاری از فعالیت‌های فردی و اجتماعی، کیفیت فضاهای شهری نقشی تعیین‌کننده در کاربری یا عدم کاربست فضاهای شهری دارد. فضاهای گوناگون شهری، تأثیر قابل توجهی بر سرمایه اجتماعی دارند (Chisun & Sugie, 2016). برخی از مشکلات اجتماعی در مناطق شهری، ناشی از پیامدهای تضعیف سرمایه اجتماعی در جامعه شهری است. ترکیب طراحی و ساختار خوب شهری و ماهیت فرهنگی شهری بودن برای تقویت سرمایه اجتماعی حائز اهمیت است (Syaom et al., 2014, p. 69).

۲-۲- بعد عملکردی

کیفیت، چگونگی یک پدیده است که تأثیر عاطفی و عقلانی خاص بر انسان می‌گذارد. کیفیت باعث تمایز پدیده‌ها از هم می‌شود و می‌تواند حاصل فرم، عملکرد و یا معنای یک چیز باشد. فضاهای شهری نیز همچون دیگر پدیده‌ها دارای کیفیت بوده و واجد مؤلفه‌های معنا، عملکردی و فرم هستند. هر چه این مؤلفه‌ها همسوتر و هماهنگ‌تر باشند کیفیت فضا بهتر می‌شود. وظیفه طراحی شهری شناخت و هماهنگ کردن این مؤلفه‌ها است.

صاحب‌نظران بسیاری ابعاد کیفی فضای شهری را دسته‌بندی و ارائه کرده‌اند. یکی از این دسته‌بندی‌ها توسط کرمانا (۲۰۰۸) بیان شده است. وی کیفیات تأثیرگذار بر محیط و فضاهای عمومی شهری را به شش دسته تقسیم کرده است که عبارت‌اند از:

- مؤلفه کالبدی

- مؤلفه ادراکی یا معنایی

- مؤلفه اجتماعی

- مؤلفه بصری

- مؤلفه عملکردی^۳

- مؤلفه زمانی

از مهم‌ترین کیفیت‌های فضای شهری مناسب، قابل دسترس بودن آن برای تمامی گروه‌ها است. همچنین وجود عملکردهای متنوع و آزادی فعالیت‌های اجتماعی قابل قبول نیز از موارد دیگری است که موجب ارتقاء عملکرد محیط شهری می‌شود. بعد عملکردی فضا مربوط به کیفیت‌هایی است که به فعالیت‌های موجود در فضا و عملکرد خود فضا وابسته‌اند. بعد عملکردی به این مفهوم است که مکان‌ها چگونه عمل کرده، مردم به چه نحوی از آن استفاده می‌کنند و طراحان شهری به چه طریق می‌توانند مکان‌های بهتری را طراحی کنند. کرمانا (۲۰۰۸) بعد عملکردی را در چهار دسته قرار می‌دهد: کاربرد فضاهای عمومی، کاربری‌های مختلط و ملاحظات تراکمی، طراحی محیطی و در نهایت کارایی شبکه.

۲-۲-۱- کاربرد فضاهای عمومی (پاسخ‌گویی به نیازها)

طراحی فضاهای شهری باید با آگاهی از نحوه استفاده مردم از آن‌ها انجام شود. زیرا، مکان‌های موفق برای استفاده مردم تجهیز می‌شوند. در کاربرد و طراحی فضاهای عمومی علاوه بر معنی‌دار بودن (امکان برقراری ارتباط قوی بین مکان و مردم) و دموکراتیک بودن (در دسترس همه گروه‌ها بودن و تأمین آزادی عمل)، فضاهای عمومی باید جواب‌گویی نیاز استفاده‌کنندگان باشند و به مفاهیم طراحی پاسخ دهند (Carmona, 2008).

۲-۲-۲- اختلاط کاربری و تراکم

توسعه کاربری مختلط^۴ یک پروژه برنامه‌ریزی است که به وسیله یکپارچه‌سازی ترکیبی از برخی کاربری‌های خرده‌فروشی، اداری، مسکونی، هتل‌ها، تفریح و سرگرمی و دیگر عملکردها صورت می‌گیرد. اصل اساسی در این برنامه‌ریزی، پیاده‌مداری و توجه به عناصر مربوط به محیط زندگی، کار و بازی است (Delisle & Grissom, 2013).

حیات فضاهای عمومی شهری به هم‌پوشانی و در هم‌تنیده شدن عملکردها وابسته است و ادراک از شهر به توزیع مرکب و امتزاجی از کاربری‌ها به‌عنوان پدیده‌های ضروری، نیازمند است. همچنین، پیش‌نیاز فعال و سرزنده بودن محیط و ایجاد اختلاط عملکردی، وجود تراکم^۵ کافی از نظر جمعیت و فعالیت است. تراکم از جمله مفاهیم کلیدی در شهرسازی است و به‌عنوان نخستین خصوصیت فضای شهری محسوب می‌شود که بدون داشتن حداقل تراکم، فضای شهری مفهومی ندارد. فضای شهری متراکم از نظر فرم و مقیاس، فضایی است که مناسب برای پیاده‌روی، دوچرخه‌سواری و حمل و نقل عمومی است و باعث تشویق و بهبود تعاملات اجتماعی شود (Pour Mohammad & Qorbani, 2003). تراکم شهری به‌عنوان راهکاری برای رسیدن به توسعه پایدار، هر چند مورد توافق جمیع صاحب‌نظران مسائل شهری است؛ اما به سبب پیچیدگی آن، در مورد میزان فشردگی یا گسترده‌گی و یا به عبارت دیگر، نوع تراکم، اتفاق نظر وجود ندارد.

۲-۲-۳- طراحی محیطی

بخش عمده طراحی شهری فراهم کردن شرایطی راحت در فضاهای عمومی است. سطوح تابش آفتاب، پوشش سایه، میزان درجه حرارت، رطوبت، بارندگی، وزش باد، آلودگی صوتی، اثراتی بر تجربه ما از محیط و نحوه استفاده از فضاهای عمومی خواهد داشت. اقداماتی در زمینه طراحی می‌تواند صورت گیرد تا شرایط را برای استفاده محیط قابل قبول‌تر سازد. این اقدامات شامل دخالت در شکل‌گیری فضا، ایجاد اقلیم خرد، نحوه تابش خورشید، پوشش سایه، حرکت هوا در اطراف ساختمان و نورپردازی است (Carmona, Magalhaes, & Leo, 2008).

و پیاده‌رو، فضای پیاده‌رو، فضای پارکینگ و سرویس و سایر تأسیسات زیربنایی. به‌طور کلی می‌توان عناصر و سنجه‌های بعد عملکردی طراحی شهری را در قالب جدول ۲ ارائه نمود.

۲-۲-۴- کارایی شبکه کلان

شبکه کلان شامل سطوح ساختاری مختلفی از تأسیسات شهری است. شبکه کلان اصلی در طراحی شهری عبارت‌اند از: تأمین فضای باز عمومی، طراحی خیابان

جدول ۲: عناصر و سنجه‌های بعد عملکردی طراحی شهری

سنجه‌ها	بعد
کارایی شبکه	عملکردی
طراحی محیطی	
اختلاط کاربری و تراکم	
کاربرد فضاهای عمومی در پاسخ‌گویی به نیازها	

(Carmona, Magalhaes, & Leo, 2008)

۲-۳- بعد عملکردی و سرمایه اجتماعی

فضاهای عمومی شهری از محیط‌های با اهمیت شهری محسوب می‌شوند که دارای خصوصیت‌ها و عملکردهای منحصر به فردی می‌باشند. این نوع فضاها در هر سطح و عملکردی، باید دارای خصوصیتی باشند تا نیازها و خواسته‌های استفاده‌کنندگان و شهروندان را پاسخ‌گو باشند. یکی از مهم‌ترین این خصوصیات، فرم کالبدی، شبکه دسترسی و چیدمان فضا است که بر روابط اجتماعی شهروندان تأثیر زیادی دارد. روابط اجتماعی می‌تواند در مکان‌ها و محیط‌های مختلف شکل بگیرد. از این‌رو، این خصوصیات صرف نظر از مقیاس و نوع مکان، در محصول اجتماعی شهر و شکل‌دهی به سرمایه اجتماعی نقش مهمی را ایفا می‌کند. مطالعات بسیاری وجود دارد که به بررسی نحوه ارتباط میان عناصر فرم شهری با تعاملات اجتماعی^۶ انسان‌ها در شهر پرداخته است (Krafta, 2013). مورتن، به رابطه دیرینه میان زندگی اجتماعی و فرم فضای شهری اشاره دارد و معتقد است فضای ساخته شده بر ادراکات و رفتار اجتماعی استفاده‌کنندگان آن تأثیر می‌گذارد (Mor-ton, 2002). بنابراین، اگر ارتباطات اجتماعی به درستی اتفاق نیفتد، دلالت بر این دارد که رابطه‌ای بین فضا و جامعه به خوبی شکل نگرفته است (Hanson, 2000). برلی نیز با توجه به ماهیت کالبدی محله‌ها، تعاملات و سرمایه اجتماعی را از دو وجه کمی و کیفی مورد بررسی قرار می‌دهد. از دیدگاه برلی دو مکانیسم رقابتی بالقوه، فاصله تا فضای تعاملی و تراکم در شکل‌گیری تعاملات تأثیرگذار است. کمیت تعاملات اجتماعی و سرمایه اجتماعی با کاهش فاصله و افزایش تراکم، ارتقا می‌یابد (Burley, 2016). گرانت (۲۰۰۲) معتقد است کاربری مختلط و تراکم بالا باعث افزایش روابط اجتماعی می‌شود که به ارتقا سرمایه اجتماعی می‌انجامد. ایجاد محیطی که ساکنان بتوانند به راحتی به طیف وسیعی از کاربری‌ها دسترسی پیدا کنند می‌تواند به افزایش سرمایه اجتماعی

کمک کند. عوامل مؤثر بسیاری مانند: ابعاد ساختمان‌ها، الگوی جمعیتی و تعداد واحدهای مسکونی در رابطه بین کاربری‌های اراضی مختلط و سرمایه اجتماعی نقش دارند. همچنین پیشینه تاریخی و ابعاد توسعه مستقماً بر رابطه بین کاربری‌های مختلط زمین و سرمایه اجتماعی تأثیر می‌گذارد. هانسون و هیلیر^۷ (۱۹۸۴) در مطالعه‌ای به چگونگی تأثیر محیط بر ماهیت رفتار اجتماعی پرداختند و به رابطه تعاملات گروه‌های اجتماعی و مرزبندی‌ها و نوع چینش قطعات اشاره کردند. طبق نظر هانسون تحولات در ویژگی‌های کالبدی حتی در مقیاس محله‌ها، تنها تغییر در چینش فضایی مناطق مسکونی نبوده است؛ بلکه، این موضوع نحوه مصرف فضا توسط افراد، رویارویی و رفتار با دیگران، را تحت تأثیر قرار می‌دهد. هیلیر^۸ (۱۹۹۶) نیز در پژوهشی نشان داد که همبستگی بالایی میان الگوهای حرکت عابر پیاده، فرم شهر، فضاها و فعالیت‌های آن وجود دارد. او تأیید کرد اگرچه به طور مشخص میان تحرکات و نقاط تعامل همبستگی وجود دارد؛ ولی، پیکربندی فضایی می‌تواند اثرات قابل توجهی را بر تحرکات اجتماعی میان ساکنین یک شهر یا محله داشته باشد. محدوده تعامل واقعی هر فرد، توسط فاصله متوسطی که در طول یک روز می‌تواند بپیماید تعیین می‌شود. به هر اندازه که یک فرد تحرک بیش‌تری داشته باشد، تعامل اجتماعی وی گسترده‌تر بوده و امکان ارتقا سرمایه اجتماعی افزایش می‌یابد. لیدن^۹ (۲۰۰۳) در پژوهشی به بررسی ارتباط سرمایه اجتماعی و محیط مصنوع پرداخت و نشان داد که ساکنان محلات پیاده‌مدار در شاخص‌های سرمایه اجتماعی امتیاز بالاتری را نسبت به محلات اتومبیل‌سوار دارند. شکیبایی و طبیبیان (۱۳۹۶) طی پژوهشی اثرات فرم کالبدی بر سرمایه اجتماعی را در محلات قزوین مورد بررسی قرار دادند. نتایج نشان داد بیش‌ترین حد سرمایه اجتماعی در میان محله‌های با ویژگی‌های هم‌ساز با ماهیت بافت نیمه ارگانیک شکل گرفته است.

همچنین در حالی که میان شاخص‌های کالبدی و سرمایه اجتماعی ارتباط معناداری وجود داشت؛ ولی، ضریب و شدت تأثیر این عوامل یکسان نبود. به طوری که عواملی که ارتباط مستقیمی را با نفوذپذیری و کاربری‌ها دارند اهمیت بیش‌تری در شکل‌دهی به سرمایه اجتماعی در این محله‌ها داشتند. باقری و عمویی (۱۳۹۷) نیز در پژوهشی نقش طرح کالبدی- فضایی محله‌های شهری را در ارتقاء سرمایه اجتماعی مورد بررسی قرار دادند. نتایج نشان داد ارتباط فضاهای عمومی، ارتباطات همسایگی، تقویت مراکز اجتماعی محله، تنوع و اختلاط کاربری‌ها، پیوستگی و تجهیز شبکه معابر پیاده می‌توانند شکل‌گیری و ارتقا سرمایه اجتماعی را تسهیل نمایند. به نظر می‌رسد کیفیت پایین و ضعف ابعاد عملکردی محله‌های شهری به‌طور مستقیم و یا غیرمستقیم بر فعالیت‌ها و کارکردهای اجتماعی مختلف تأثیر می‌گذارد. برخی از این فعالیت‌ها باعث تغییر در فضاهای شهری و توقعات متناظر آن می‌شود. از این رو عواملی نظیر: دسترسی، ساختار بافت، تراکم و ویژگی‌های جمعیتی، نحوه استفاده از زمین، نحوه چیدمان عملکردی، پراکنش فعالیت‌های اجتماعی علاوه بر این که شکل‌دهنده فرم و کالبد محله‌های شهر هستند؛ در شکل‌گیری سرمایه اجتماعی میان ساکنین می‌توانند مؤثر واقع شوند و شدت و کیفیت سرمایه اجتماعی حاصل از حضور توأمان انسان، فعالیت و فضا را متضمن خواهند بود. بررسی ادبیات نشان می‌دهد رابطه مؤلفه‌های بعد عملکردی و سرمایه اجتماعی در بیش‌تر مطالعات اجتماعی در یک بستر و فضای اجتماعی خاص مورد بررسی گرفته است در حالی که به نظر می‌رسد که این رابطه در فضاهای شهری که از لحاظ ماهیت فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی با هم متفاوت هستند، مشابه نبوده و دارای تفاوت‌هایی باشد. لذا، این پژوهش در راستای مطالعات پیشین و به جهت تکمیل این مطالعات به شناسایی رابطه بین مؤلفه‌های بعد عملکردی و سرمایه اجتماعی در سه محله شهری سعادت‌آباد، نازی‌آباد و نارمک که دارای دارای هویت مجزا و تفاوت‌هایی از لحاظ اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی می‌باشند، پرداخت. به نظر می‌رسد تمایزات میان ساختار عملکردی این محله‌ها منجر به تغییر در ظرفیت‌های اجتماعی باشد.

۳. روش‌شناسی پژوهش

پژوهش براساس اهداف تعیین شده، در زمره پژوهش‌های کاربردی و از نوع تبیینی قرار می‌گیرد. از دیدگاه نورمن بلیکی تبیین عبارت است از نشان دادن عناصر، عوامل یا مکانیسم‌های دخیل در ایجاد وضعیت یا توالی‌های منظم پدیده‌های اجتماعی. هم‌چنین در تبیین علمی، جستجوی علل وقوع رویداد یا توالی منظم خاصی مدنظر می‌باشد (Blaikie, 2007).

۳-۱- طرح پژوهش

روش‌شناسی پژوهش با توجه به هدف این مطالعه کمی و از نوع کاربردی و با توجه به روش جمع‌آوری داده‌ها، توصیفی و از نظر نوع تحلیل همبستگی بود.

۳-۲- حجم نمونه و روش نمونه‌گیری

نمونه به آن بخش از جامعه گفته می‌شود که معرف کل جامعه باشد. منظور از معرف بودن این است که همه خصوصیات جامعه، مخصوصاً آن صفاتی که از لحاظ موضوع مورد پژوهش اهمیت دارند، در نمونه به تناسب موجود باشد و ضمناً بتوان نتایج حاصل از آن را به کل جامعه آماری تعمیم داد.

۳-۲-۱- حجم نمونه

از مهم‌ترین مسایل در یک پژوهش انتخاب حجم نمونه است زیرا اگر حجم نمونه را زیاد در نظر بگیریم کار بسیار و هزینه زیاد را در پی دارد و اگر حجم کم باشد پژوهش بازدهی لازم را به دنبال نداشته و نتایج نادرست و غیر قابل تعمیم به جامعه آماری می‌شوند (Mansori, 2007).

جامعه مورد مطالعه شامل کلیه افراد استفاده‌کننده از فضا در محدوده محله‌های سعادت‌آباد، نازی‌آباد و نارمک بود. در راستای هدف پژوهش با توجه به وسیع بودن حجم جامعه آماری از فرمول زیر برای تعیین حجم نمونه لازم برای برآورد پارامتر نسبت در صفات کیفی استفاده شد. در این طرح صفت کیفی مورد بررسی به صورت زیر تعریف می‌شود: «نسبتی از افراد که در میدان‌ها و خیابان‌های مورد مطالعه حضور دارند و ساکن آن محله هستند».

$$N = \frac{\left[z_{1-\frac{\alpha}{2}} \right]^2 (p.(1-p))}{d^2}$$

در این پژوهش با توجه به اینکه مقدار پارامتر نسبت «p» مشخص نیست، لذا برای آنکه حجم نمونه و در نتیجه دقت نتایج ماکزیمم شود لذا در رابطه بالا مقدار آن برابر ۰.۵ «p=۰.۵» در نظر گرفته شد. با در نظر گرفتن مقدار ۰.۰۶ برای خطای مطلق برآورد و هم‌چنین مقدار ۰.۰۵ برای حداکثر خطای نوع اول α ، حداقل حجم نمونه لازم برابر ۲۶۷ واحد به‌دست آمد. با در نظر گرفتن این مطلب که ممکن بود تعدادی از پرسشنامه‌های تکمیل شده از افراد نمونه، به دلایلی همچون عدم همکاری، بی‌حوصلگی و غیره به صورت ناقص تکمیل شود و غیرقابل استفاده شود لذا در این طرح، تعداد نمونه‌ها به ۳۰۰ واحد افزایش یافت. از این‌رو، ۱۰۰ نفر در محله سعادت‌آباد، ۱۰۰ نفر از شهروندان در محله نازی‌آباد و ۱۰۰ نفر از محله نارمک به روش نمونه‌گیری تصادفی ساده مورد مطالعه قرار گرفتند.

کارایی شبکه (۳) بود. سؤالات همه ابعاد در قالب طیف لیکرتی (خیلی کم، کم، اصلاً زیاد و خیلی زیاد) تنظیم و تهیه شدند. برای تعیین روایی پرسشنامه پژوهش، از روش روایی صوری محتوایی استفاده شد. از این رو، پرسشنامه برای اساتید و متخصصان برنامه ریزی شهری مربوطه ارسال شد و نظرات و انتقادات اصلاحی آنان در پرسشنامه اعمال گردید و در نهایت بر اساس نظر و تأیید آن‌ها پرسشنامه تهیه شد. همچنین همسانی درونی پرسشنامه براساس آلفای کرونباخ محاسبه شد که مقادیر آن برای بعد سرمایه اجتماعی (۰.۶۹) و برای ابعاد عملکردی به ترتیب کاربرد فضاهای عمومی (۰.۸۴)، کاربری‌های مختلط و تراکم (۰.۶۴)، طراحی محیطی (۰.۶۴) و کارایی شبکه (۰.۸۵) به دست آمد که همه در سطح مناسب و قابل قبولی قرار داشتند.

۳-۵- شیوه اجرا

در راستای جمع‌آوری داده‌ها، ابتدا شرکت‌کنندگان به صورت تصادفی انتخاب و هدف پژوهش توضیح داده شد و پس از جلب همکاری، نسبت به توزیع پرسشنامه‌ها و جمع‌آوری آن‌ها اقدام شد. همچنین به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش‌های آماری به منظور مقایسه میانگین‌های متغیرها به تفکیک هر محله و ضریب همبستگی پیرسون جهت شناسایی روابط بین متغیرها استفاده شد.

۴. نتایج و یافته‌های پژوهش

جمع‌آوری داده‌ها از افرادی که در فضاهای عمومی منتخب شهر تهران حضور داشتند صورت گرفت که میانگین سنی افراد در محله سعادت‌آباد ۳۰ سال، در محله نازی‌آباد ۳۳ سال و در محله نارمک ۳۸ سال بود و دامنه سنی افراد بین ۱۷ تا ۸۳ سال متغیر بود. همچنین از لحاظ وضعیت اقتصادی از مجموع ۱۰۰ شهروند انتخاب شده در محله سعادت‌آباد ۱۶ درصد وضعیت خود را عالی، ۴۵ درصد خوب، ۳۱ درصد متوسط به بالا، ۶ درصد متوسط و ۲ درصد متوسط به پایین گزارش کردند. در محله نازی‌آباد ۱۶ درصد وضعیت خود را عالی، ۳۲ درصد خوب، ۱۷ درصد متوسط به بالا، ۳۳ درصد متوسط و ۲ درصد بد و در محله نارمک ۶ درصد وضعیت خود را عالی، ۲۲ درصد خوب، ۲۹ درصد متوسط به بالا، ۴۳ درصد متوسط گزارش کردند. ویژگی‌های توصیفی تکمیلی دیگر در جدول ۳ آمده است.

۳-۲-۲- روش نمونه‌گیری

نمونه‌گیری روشی است که به وسیله آن قسمتی از جامعه آماری را که با مطالعه‌اش، نتیجه را می‌شود به کل جامعه آماری تعمیم داد، می‌توان انتخاب نمود. در این پژوهش با توجه به محدودیت‌ها و مزیقه‌های مالی، وسعت و تعداد فضاهای شهری مورد پژوهش و همچنین به حداقل‌رسانی حجم نمونه‌ها، برای نمونه‌گیری روش تصادفی انتخاب شده است.

۳-۳- محدوده مورد مطالعه

محله‌های انتخابی در سه منطقه متفاوت از نظر اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی در مناطق ۲، ۸ و ۱۶ به ترتیب در شمال، بافت میانی و حوزه جنوبی تهران انتخاب شدند. محدوده مطالعه در این پژوهش شامل محله‌های سعادت‌آباد، نازی‌آباد و نارمک بود که با استفاده از مطالعات پیشین و ماهیت پژوهش، خیابان‌ها و میدان‌های مناسب با اهداف این پژوهش انتخاب شد. در انتخاب محورها سعی شد که در نگاه اولیه از کیفیت نسبی برخوردار بوده و با توجه به اینکه فضای شهری فضایی برای بروز تعاملات اجتماعی است، این محورها از میزان مناسب حضور شهروندان در فضای عمومی شهری برخوردار باشند و براین اساس به‌طور ویژه مهم‌ترین فضاهای هر محله انتخاب شد که عبارت‌اند از:

- منطقه ۲: محله سعادت‌آباد؛ خیابان سعادت‌آباد و میدان کاج
- منطقه ۸: محله نارمک؛ خیابان آیت و میدان هفت حوض
- منطقه ۱۶: محله نازی‌آباد؛ خیابان مدائن و میدان بازار دوم.

۳-۴- ابزار پژوهش

پرسش‌نامه خودتنظیم: جهت سنجش بعد عملکردی و ابعاد سرمایه اجتماعی از پرسش‌نامه خودتنظیم استفاده شد. به منظور سنجش وضعیت سرمایه اجتماعی، با توجه به مبانی نظری و نیز مطالعات انجام شده در این حوزه به‌طور کلی تعداد ۴۸ سؤال مورد نظر قرار گرفت. همچنین به منظور سنجش وضعیت بعد عملکردی، با توجه به مبانی نظری در این حوزه، چهار مؤلفه اصلی (کاربرد فضاهای عمومی در پاسخ به نیازها، کاربری مختلط و تراکم، طراحی محیطی و کارایی شبکه) انتخاب شدند. تعداد سؤال‌ها برای سنجش هر یک از متغیرهای کاربرد فضاهای عمومی (۸)، کاربری‌های مختلط و تراکم (۴)، طراحی محیطی (۳) و

جدول ۳: ویژگی‌های جمعیت‌شناختی شرکت‌کنندگان

محله	جنسیت (%)	وضعیت تأهل (%)	نوع مالکیت (%)	F (%)
سعادت‌آباد	مرد ۴۸	مجرد ۶۵	مستاجر ۲۰.۷	
	زن ۵۲	متاهل ۳۵	مالک ۷۷.۲	
			سازمانی ۲.۲	

محلّه	جنسیت	(%)	وضعیت تأهل	(%)	نوع مالکیت	(%)	F (%)
نازی آباد	مرد	۴۰	مجرد	۴۳.۶	مستاجر	۱۳.۷	
	زن	۶۰	متاهل	۵۶.۴	مالک	۸۶.۳	
					سازمانی	-	
نارمک	مرد	۵۰	مجرد	۴۶.۷	مستاجر	۱۶	
	زن	۵۰	متاهل	۵۳.۳	مالک	۸۴	
					سازمانی	-	

نتایج نشان داد که تفاوت مشاهده شده در بعد عملکردی محله‌های مورد مطالعه براساس آزمون F معنی‌دار بود (جدول ۴). به عبارت دیگر می‌توان گفت که بین سه محله سعادت‌آباد، نازی‌آباد و نارمک تفاوت معنی‌داری در بعد عملکردی از نظر شهروندان و ساکنین محله‌ها وجود دارد.

جدول ۴: مقایسه مؤلفه بعد عملکردی به‌طور کلی در محله‌های مورد مطالعه

میانگین	انحراف استاندارد	کم‌ترین	بیش‌ترین	مقدار F	معناداری
۳۷.۳۷۶	۳.۹۵۳	۲۸	۴۷	۴۷.۸۶۹	۰.۰۰۰
۴۲.۰۴۶	۴.۹۵۳	۲۴	۵۰		
۴۴.۴۸۲	۵.۰۱۸	۳۴	۵۲		
۴۱.۴۵۶	۵.۵۰۵۷	۲۴	۵۲		

بر اساس نتایج جدول ۵ بین محله‌ها تفاوت معنی‌داری در مؤلفه اختلاط کاربری و تراکم وجود داشت و محله نازی‌آباد دارای بیش‌ترین اختلاط کاربری و محله سعادت‌آباد دارای کم‌ترین اختلاط کاربری از نظر شهروندان بود. همچنین نتایج نشان داد بین محله‌ها تفاوت معنی‌داری در مؤلفه کاربرد فضا از نظر شهروندان وجود دارد. محله نارمک دارای بیش‌ترین کاربرد فضا در پاسخ‌گویی به نیازها بود. افزایش میزان کاربرد فضا در پاسخ‌گویی به نیازها در محله نارمک از نظر شهروندان وجود داشت.

جدول ۵: مقایسه میانگین مؤلفه‌هایی بعد عملکردی در محله‌های مورد مطالعه

مؤلفه‌های بعد عملکردی مطالعه	محلّه مورد مطالعه	میانگین	انحراف استاندارد	کم‌ترین	بیش‌ترین	مقدار F	معناداری
اختلاط کاربری	سعادت‌آباد	۸.۵۹۱	۱.۳۰۶	۵	۱۱	۱۰.۳۳۷	۰.۰۰۰
	نازی‌آباد	۹.۵۴۶	۱.۵۳۴	۴	۱۲		
	نارمک	۹.۰۳۰	۱.۵۴۹	۵	۱۲		
کاربرد فضا در پاسخ‌گویی به نیازها	سعادت‌آباد	۱۸.۵۰۵	۲.۰۰۹	۱۶	۲۳	۱۶.۹۸۳	۰.۰۰۰
	نازی‌آباد	۱۹.۵۴۵	۲.۷۱۱	۱۳	۲۵		
	نارمک	۲۰.۷۷۷	۲.۹۱۳	۱۴	۲۷		
طراحی محیطی	سعادت‌آباد	۳.۶۲۲	۱.۲۴۷	۲	۸	۱۰۳.۷۹۸	۰.۰۰۰
	نازی‌آباد	۵.۱۷۳	۱.۳۵۴	۲	۸		
	نارمک	۶.۳۰۹	۱.۳۱۷	۳	۸		
کارآیی شبکه	سعادت‌آباد	۶.۲۸۱	۱.۳۴۳	۴	۱۰	۶۳.۹۱۰	۰.۰۰۰
	نازی‌آباد	۷.۵۰۵	۱.۳۴۷	۴	۱۰		
	نارمک	۸.۴۸۴	۱.۳۷۷	۶	۱۱		

همچنین نتایج جدول ۵ نشان داد محله نارمک دارای بیشترین کارایی شبکه و محله سعادت آباد دارای کمترین مقدار بوده و بین محله‌ها تفاوت معنی‌دار در مؤلفه کارایی شبکه از نگاه ساکنین وجود دارد.

جدول ۶: ماتریس همبستگی بین مؤلفه‌های بعد عملکردی و سرمایه اجتماعی

ردیف	مؤلفه‌های بعد عملکردی	سرمایه اجتماعی
۱	اختلاط کاربری‌ها	ضریب همبستگی: ۰.۴۶۸** سطح معنی‌داری: ۰.۰۰۰
۲	کاربرد فضا در پاسخ‌گویی به نیازها	ضریب همبستگی: ۰.۴۲۴** سطح معنی‌داری: ۰.۰۰۰
۳	طراحی محیطی	ضریب همبستگی: ۰.۲۵۰** سطح معنی‌داری: ۰.۰۰۰
۴	کارآیی شبکه	ضریب همبستگی: ۰.۳۸۸** سطح معنی‌داری: ۰.۰۰۰

نکته: ** معنی‌داری کمتر از ۰.۰۱

جهت تعیین رابطه بین سرمایه اجتماعی و ابعاد عملکردی از همبستگی پیرسون استفاده شد (جدول ۶). نتایج حاکی از آن بود که سرمایه اجتماعی با تمامی مؤلفه‌های بعد عملکردی در سطح ۹۹ درصد رابطه مثبت و معنی‌داری داشتند. از میان مؤلفه‌های عملکردی، مؤلفه اختلاط کاربری و تراکم بیشترین همبستگی با سرمایه اجتماعی را نشان داد. همچنین مؤلفه طراحی محیطی کمترین رابطه را با سرمایه اجتماعی داشت.

جدول ۷: ضریب همبستگی پیرسون بین مؤلفه‌های بعد عملکردی و سرمایه اجتماعی

مؤلفه‌های بعد عملکردی	سرمایه اجتماعی	ضریب همبستگی	سطح معنی‌داری
اختلاط کاربری	سعادت‌آباد	۰.۴۶۷	۰.۰۰
	نازی‌آباد	۰.۲۴۳	۰.۰۴۸
	نارمک	۰.۲۲۸	۰.۰۴۵
کاربرد فضا در پاسخ‌گویی به نیازها	سعادت‌آباد	-۰.۰۹۴	۰.۴۹۰
	نازی‌آباد	۰.۱۹۹	۰.۱۴۲
	نارمک	۰.۶۷۵	۰.۰۰۰
طراحی محیطی	سعادت‌آباد	-۰.۱۶۰	۰.۲۱۳
	نازی‌آباد	۰.۳۸۱	۰.۰۰۳
	نارمک	۰.۲۵۱	۰.۰۳۰
کارآیی شبکه	سعادت‌آباد	۰.۳۲۲	۰.۰۱۱
	نازی‌آباد	-۰.۱۴۹	۰.۲۵۵
	نارمک	۰.۴۳۶	۰.۰۰۰

و معناداری وجود داشت. همچنین در محله نارمک رابطه مثبت و معنی‌داری بین سرمایه اجتماعی و همه مؤلفه‌های بعد عملکردی مشاهده شد.

۵. بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش رابطه بعد عملکردی کیفیت فضای شهری و سرمایه اجتماعی مورد بررسی قرار گرفت. برای رسیدن به این هدف رابطه مؤلفه‌های بعد عملکردی با سرمایه اجتماعی در سه محور شاخص محله‌های نارمک، سعادت‌آباد و نازی‌آباد شهر تهران مورد بررسی، تحلیل

نتایج ضریب همبستگی پیرسون حاکی از آن بود که در محله سعادت‌آباد بین مؤلفه‌های کاربرد فضا و طراحی محیطی با سرمایه اجتماعی رابطه معنی‌داری وجود ندارد؛ ولی، بین مؤلفه‌های اختلاط کاربری و کارایی شبکه با سرمایه اجتماعی در محله سعادت‌آباد رابطه مثبت و معناداری مشاهده شد (جدول ۷). علاوه بر این، در محله نازی‌آباد بین مؤلفه‌های کاربرد فضا و کارایی شبکه با سرمایه اجتماعی شهروندان ساکن در محله رابطه مثبت و معنی‌داری وجود نداشت؛ اما، بین مؤلفه‌های اختلاط کاربری و طراحی محیطی با سرمایه اجتماعی رابطه مثبت

و تبیین قرار گرفت. نتایج به دست آمده نشان داد در محله سعادت آباد مؤلفه‌های اختلاط کاربری‌ها و کارایی شبکه، در محله نازی‌آباد مؤلفه‌های طراحی محیطی و اختلاط کاربری، در محله نارمک مؤلفه‌های کاربرد فضا در پاسخگویی به نیازها، کارایی شبکه، اختلاط کاربری و راحتی در فضا با میزان سرمایه اجتماعی شهروندان رابطه مثبت و معنی داری دارند. بنابراین می‌توان گفت جمع‌بندی نتایج به دست آمده از پژوهش مؤید رابطه مثبت و معنی دار بعد عملکردی با سرمایه اجتماعی می‌باشد. بدین معنا که هر چقدر ابعاد عملکردی فضای شهری بهبود یابد سرمایه اجتماعی افزایش پیدا می‌نماید. این نتایج با مطالعات پیشین همچون لیدن (۲۰۰۳)، باووم و پالم (۲۰۰۲)، بروکاتو (۲۰۰۶)، بورت و همکاران (۲۰۰۰)، گرنت (۲۰۰۲)، رحیمی و همکاران (۲۰۲۰) هم راستا هستند.

پژوهش نشان داد از میان ابعاد عملکردی، اختلاط کاربری و تراکم بیش‌ترین رابطه را با سرمایه اجتماعی دارند. مطالعات پیشین مؤید این نکته هستند که کاربری مختلط و تراکم بالا باعث افزایش روابط اجتماعی شده که به افزایش سرمایه اجتماعی منجر خواهد شد. ایجاد محیطی که ساکنان بتوانند به راحتی به طیف وسیعی از کاربری‌ها دسترسی پیدا کنند می‌تواند به افزایش سرمایه اجتماعی کمک کند. اختلاط کاربری‌ها اغلب به‌عنوان گزینه‌ای قابل پیمایش، راحت و پر جنب و جوش توصیف می‌شود (Grant, 2002) که می‌تواند سرمایه اجتماعی را ارتقاء دهد. بدین معنا که هرچه میزان استفاده از اراضی مختلط نظیر: ابعاد ساختمان‌ها، الگوی جمعیتی و تعداد واحدهای مسکونی بیش‌تر باشد، سرمایه اجتماعی نیز بهبود خواهد یافت. همچنین پیشینه تاریخی و ابعاد توسعه مستقیماً بر رابطه بین کاربری‌های مختلط زمین و سرمایه اجتماعی تأثیر می‌گذارد. تراکم بالا عامل دیگری است که در افزایش سرمایه اجتماعی نقش دارد. تراکم بالا باعث افزایش روابط اجتماعی، افزایش فضاهای پیاده‌محور، فضای سبز و مناطق باز شده که منجر به افزایش روابط اجتماعی می‌شود. از این رو، نتایج این پژوهش با مطالعات قبلی مانند نبیل و الدایم (۲۰۱۵)، گرانت (۲۰۰۲)، کانگ (۲۰۰۶) هم‌راستا می‌باشد.

در مورد مؤلفه کاربرد فضای عمومی در پاسخ به نیازها نتایج نشان داد که بعد از مؤلفه اختلاط کاربری و تراکم بیش‌ترین رابطه را با سرمایه اجتماعی دارد. برای درک و تبیین این موضوع می‌توان گفت که فضاهای عمومی شهری از محیط‌های با اهمیت شهری محسوب می‌شوند که دارای خصوصیت‌ها و عملکردهای منحصر به فردی هستند. این نوع فضاها در هر سطح و عملکردی، باید دارای خصوصیتی باشند تا خواسته‌های شهروندان را برآورده کنند. بنابراین محیط شهری با کیفیت احساس رضایت‌مندی را از طریق عوامل فیزیکی، اجتماعی یا نمادین به شهروندان منتقل

می‌کند. این احساس رضایت‌مندی باعث افزایش حضور شهروندان در فضا و بالا رفتن میزان تعاملات و مشارکت اجتماعی می‌شود و افزایش سرمایه اجتماعی را در پی دارد. این نتایج با مطالعات پیشین همچون آوه و فونچر (۲۰۰۲) و جونساب و کاپلان (۲۰۰۴) منطبق است.

شبکه دسترسی یکی دیگر از مؤلفه‌های بعد عملکردی بود که نتایج نشان‌دهنده رابطه مثبت و معنی دار آن با سرمایه اجتماعی در فضاهای منتخب پژوهش بود. لنینج شبکه دسترسی را توانایی دسترسی به فعالیت‌ها، منابع، خدمات، اطلاعات و یا مکان‌ها شامل مقدار و نوع عوامل قابل دسترسی دسته‌بندی می‌کند (Bahreini & Aminzadeh, 2006). دسترسی به امکانات و خدمات از خصوصیات و کیفیت‌های یک شهر خوب می‌باشد. زیرا، دریافت خدمات به‌طور پیوسته، بر زندگی روزمره مردم تأثیر مستقیم و مهم دارد. بنابراین محل قرارگیری این خدمات در فضا، شعاع دسترسی و پشتیبانی خدمات از ویژگی‌های یک فضای موفق به حساب می‌آید که به افزایش سرمایه اجتماعی منجر می‌شود.

نتایج نشان‌دهنده وضعیت مناسب محلات نارمک و نازی‌آباد از لحاظ رابطه شاخص‌های بعد عملکردی و سرمایه اجتماعی بود. محلات نارمک و نازی‌آباد با توجه به بافت متراکم‌تر، بالا بودن روابط اجتماعی بین ساکنین، کاربری متنوع، طی گذشت زمان توانسته‌اند به‌عنوان محلاتی با هویت و متمایز از سایر محلات ماهیت خود را حفظ نمایند. در این محلات ساکنان نوعی احساس تعلق عاطفی و ابراز احساس خوشایندی از ساکن بودن در محلات مزبور را دارند و پیوندهای اجتماعی بین ساکنان محلات در حد بالایی قرار دارد و این ارتباط و تعامل اجتماعی سبب ارتقای تعلق بالای ساکنان شده است. در این محلات شاخص‌هایی چون همکاری محله‌ای، پیوستگی اجتماعی، مشارکت در امور محلی، احساس امنیت و ایمنی، اعتماد، هویت شناسی با مکان در حد بالایی قرار دارند. به همین دلیل می‌توان تبیین نمود که محله‌هایی مانند نارمک و نازی‌آباد که دارای انسجام اجتماعی بالا و مؤلفه‌های عملکردی مطلوب هستند؛ در این پژوهش رابطه بیش‌تری با سرمایه اجتماعی را نشان دادند. ولی، به نظر می‌رسد محله‌های جدیدتر نظیر سعادت‌آباد با تراکم پایین، کاربری‌های غیرمختلط، فضاهای عمومی که نیازهای اجتماعی ساکنین را تأمین نمی‌نماید، هویت مکانی، پیوستگی و پیوندهای اجتماعی منسجم در ساکنانش به مانند دیگر محله‌ها نیست، در نتیجه، در این پژوهش رابطه‌ای به نسبت ضعیف‌تر بین ابعاد عملکردی و سرمایه اجتماعی را نشان داد. این نتایج با پژوهش‌های گذشته مانند: گرانت (۲۰۰۲)، کانگ (۲۰۰۶)، یوو و لی (۲۰۰۸) هم‌راستا بود.

در انجام پژوهش محدودیت‌هایی وجود داشت. مطالعه در سه فضای شهری تهران که هر سه محورهای شاخص یک

شهری در کنار سایر متغیرها مورد مطالعه قرار گیرد تا عوامل تبیین کننده پیش بین این دو مؤلفه شناسایی شوند. هم چنین، به بررسی رابطه بعد عملکردی و سرمایه اجتماعی در سایر فضاهای شهری مانند میدان‌ها، پیاده‌راه‌ها و غیره پرداخته شود. در نهایت، رابطه کیفیت‌های فضایی که منجر به تقویت بعد عملکردی می‌شود با سرمایه اجتماعی در ایران مورد مطالعه واقع شود.

محلّه بودند مورد بررسی قرار گرفت. لذا، دیگر گونه‌های فضای شهری مطالعه نشدند. از این‌رو، از تأثیر رابطه مشابه در سایر فضاها آگاهی وجود ندارد و نمی‌توان نتایج را به راحتی به سایر فضاهای عمومی شهری تعمیم داد. دوم این‌که، رابطه علت و معلولی در این مطالعه مورد بررسی قرار نگرفته است و فقط رابطه هم‌زمانی بین دو مؤلفه بعد عملکردی و سرمایه اجتماعی بررسی شد و این نکته که کدام مؤلفه دیگری را می‌تواند پیش‌بینی کند نیز مشخص نیست. بنابراین، پیشنهاد می‌شود که در پژوهش‌های آتی در زمینه سرمایه اجتماعی و بعد عملکردی رابطه تابعی دو مؤلفه بعد عملکردی و سرمایه اجتماعی در فضای

پی‌نوشت

1. Social Capital
2. Hernback
3. Fuunctional
4. Mixed Land Use
5. Density
6. Social Interaction
7. Hanson & Hillier
8. Hillier
9. Leyden

REFERENCES

- Bagheri, M., & Amouei, A. (2019). Role of Physical- Spatial Plan of Urban Neighborhoods in Improving Social Wealth: A Comparative Study of a Traditional Neighborhood (Mesgar-ha) and a Modern Neighborhood (Golshahr) in Zanjan, Iran. *Journal of Architectural and Environmental Research*, 1(2), 17-30. [10.30470/JAER.2019.103203.1047](https://doi.org/10.30470/JAER.2019.103203.1047)
- Bahreini, S.H., & Aminzadeh, B. (2006). Urban Design in Iran: A New Approach. *HONAR-HA-YE-ZIBA*, (26), 13-26. <https://www.sid.ir/en/journal/ViewPaper.aspx?id=64580>
- Baum, F., & Palmer, C. (2002). Opportunity Structures: Urban Landscape, Social Capital and Health Promotion in Australia, Oxford University Press.
- Blaikie, N. (2007). Approaches to Social Inquiry (Second Edition). London: Polity Press.
- Bourdieu, P. (1983). Forms of Capital .In Richards, J.C. (ed), Handbook of Theory and Research for the Sociology of Education, New York: Green Wood Press.
- Bowles, S., & Herbert, G. (2000). Social Capital and Community Governance, Department of Economics University of Massachusetts.
- Brocato, E.D. (2006). Place Attachment: An Investigation of Environments and Out Comes in a Service Context, Dissertation Proposal Presented to the Faculty of the Graduate School of the University of Texas at Arlington in Partial Fulfillment of the Requirements for the Degree of Doctor of Philosophy.
- Burt, R.S., Hogarth, R.M., & Michaud, C. (2000). The Social Capital of French and American Managers. *Organization Science*, 11, 123-147.
- Burley, J. (2016). Urban Form and Social Interactions: Evidence from Panel Data. University of Toronto, Department of Economics.
- Carmona, M., Magalhaes, C., & Leo, H. (2008). Public Space: The Management Dimension, Routledge Press.
- Cattell, V. (2001). Poor People, Poor Places, and Poor Health: The Mediating Role of Social Networks and Social Capital. *Social Science & Medicine* 52, 1501-1516. DOI: [10.1016/s0277-9536\(00\)00259-8](https://doi.org/10.1016/s0277-9536(00)00259-8)
- Chisun, Y., & Sugie, L. (2016). Neighborhood Built Environments Affecting Social Capital and Social Sustainability in Seoul, Korea, 8. doi: [10.3390/su8121346](https://doi.org/10.3390/su8121346)
- Coleman, J.S. (1988). Social Capital in the Creation of Human Capital. *American Journal of Sociology*, 94, S95-S120. <https://www.jstor.org/stable/2780243>
- Dale, A., Ling, C., & Newman, L. (2008). Does Place Matter? Sustainable Community Development in Three Canadian Communities. *Ethics, Place & Environment*, 11(3), 267-28. DOI: [10.1080/13668790802559676](https://doi.org/10.1080/13668790802559676)
- Dean, A., Fielding, K., Lindsay, J., Newton, F., & Ross, H. (2016). How Social Capital Influences Community Support for Alternative Water Sources. *Sustainable Cities and Society*. 27. [10.1016/j.scs.2016.06.016](https://doi.org/10.1016/j.scs.2016.06.016)
- DeLisle, J.R., & Grissom, T.V. (2013). An Empirical Study of the Efficacy of Mixed-Use Development: The Seattle Experience. *Journal of Real Estate Literature*, 21, 25-57. https://www.researchgate.net/publication/287321191_An_empirical_study_of_the_efficacy_of_mixed-use_development_The_seattle_experience
- Eriksson, M. (2010). Social Capital, Health and Community Action: Implications for Health Promotion.
- Forrest, R., & Kearns, A. (2001). Social Cohesion, Social Capital and the Neighbourhood. *Urban Studies*, 38, 2125-2143. <https://doi.org/10.1080/00420980120087081>
- Fukuyama, F. (2006). The End of the Order, Social Capital. (Gh. Tavasoli, Ed. & Trans.). (2nd Ed.). Tehran: New Pen Stories (Original Work Published 2000).
- Grant, E. (2002). Social Capital and Community Strategies: Neighbourhood Development in Guatemala City. *Development and Change*, 32(5), 975-997. <https://doi.org/10.1111/1467-7660.00234>
- Grant, J. (2002). Mixed Use in Theory and Practice: Canadian Experience with Implementing a Planning Principle. *Journal of the American Planning Association*, 68(1), 71-84. <https://doi.org/10.1080/01944360208977192>
- Grootaert, C., Narayan, D., Jones, V.N., & Woolcick, M. (2005). Measuring Social Capital an Integrated Questionnaire. World Bank Working Paper, 18.
- Hanson, J. (2000). Urban Transformations: A History of Design Ideas. *Urban Design International*, 5(2), 97-122. <https://link.springer.com/article/10.1057/palgrave.udi.9000011>
- Hanson, J., & Hillier, B. (1987). The Architecture of Community: Some New Proposals on the Social Consequences of Architectural and Planning Decisions. *Architecture, Comportement/ Architecture and Behaviour*, 3(3), 251-273. <https://discovery.ucl.ac.uk/id/eprint/5265/>
- Hays, R.A., & Kogl, A.M. (2007). Neighbourhood Attachment, Social Capital Building, and Political Participation: A Case Study of Low- and Moderate-income Residents of Waterloo, Iowa. *Journal of Urban Affairs* 29, 181-205. <https://doi.org/10.1111/j.1467-9906.2007.00333.x>
- Hernback, J. (2012). Influence of Urban Form on Co-Presence in Public Space a Space Syntax Analysis of Informal Settlements in Pune, India. Stockholm: Department of Urban Planning and Environment. KTH, Royal Institute of Technology.

- Hillier, B. (1996). *Space Is The Machine*, Cambridge University Press Cambridge.
- Joongsub, K., & Kaplan, R. (2004). Physical and Psychological Factors in Sense of Community. *Environment and Behavior*, 36(3), 313-340. <https://doi.org/10.1177/0013916503260236>
- Jorgensen, B.S. (2010). Subjective Mapping Methodologies for Incorporating Spatial Variation in Research on Social Capital and Sense of Place. *Tijdschrift voor Economische en Sociale Geografie*, 101(5), 554-567. <https://doi.org/10.1111/j.1467-9663.2010.00633.x>
- Kang, B. (2006). Effects of Open Spaces on the Interpersonal Level of Resident Social Capital: a Comparative Case Study of Urban Neighbourhoods in Guangzhou, China, a Dissertation Submitted to the Office of Graduate Studies of Texas A & M University in Partial Fulfillment of the Requirements for the Degree of Doctor of Philosophy.
- Krafta, R. (2013). On Scaling Functionality in Urban Form. Arxiv Physics and Society, Brazil: Federal University of Riogrande Do Sul.
- Lee, Y.J. (2008). Subjective Quality of Life Measurement in Taipei. *Journal of Building and Environment*, 43(7), 1205-1215.
- Leyden, K.M. (2003). Social Capital and the Built Environment: The Importance of Walkable Neighbourhoods. *American Journal of Public Health*, 93, 1546-1551. DOI: 10.2105/ajph.93.9.1546
- Mansori, K. (2007). *Statistical Methods*. Tehran University Press.
- Manzo, L., & Perkins, D. (2006). Finding Common Ground: The Importance of Place Attachment to Community Participation and Planning. *Journal of Planning Literature*, 20, 335-350. <https://doi.org/10.1177/0885412205286160>
- Morton, P. (2002). *Social Life and Urban Form in a Historical Perspective*. Sweden: Umeå University
- Nabil, N., & Eldayem, G. (2015). Influence of Mixed Land-Use on Realizing the Social Capital. *HBRC Journal*, 11(2), 285-298. DOI: 10.1016/j.hbrj.2014.03.009
- Pour Mohammadi, M., & Ghorbani, R. (2003). Aspects and Strategies of Urban Space Compression Paradigm. *Quarterly Modarres Human Sciences*, Seventh Period, 2.
- Putnam, D. (2013). *Making Democracy Work: Civic Traditions in Modern Italy*. (M. Delforuz, Trans.). Tehran: Sociologists.
- Rahimi, S.L., Ashgari, Z., & Hajiha, Z. (2016). Social Capital and Profit Management. *Financial Management Perspective*, 5(12), 13-26.
- Seydaei, S.A., Shapoor Abadi, M.A., & Moein Abadi, H. (2009). A Preface to Social Capital and Its Relationship with the Components of Social Development in Iran. *Development Strategies*, (19), 188-225.
- Syaom, M., Barliana, Diah Cahyani, P. (2014). The Urban Quality, Public Space, and Social Capital: Departing from Comparison of Three Cities. *International Journal of Humanities and Social Science*, 4 (10).
- Tajbakhsh, Y. (2005). *Social Capital, Trust, Democracy and Development*. (A. Khakbaz, & H. Pooyan, Trans.). (3rd Ed.). Tehran: Pajoohesh Shrazeh
- W, M. (2001). *Towns for People: Transformations urban Life*. Buckingham University Press.

نحوه ارجاع به این مقاله

نادری، سید مجید. (۱۳۹۹). بعد عملکردی و سرمایه اجتماعی در فضاهای شهری تهران، مورد مطالعاتی: محله‌های سعادت‌آباد، نازی‌آباد و نارمک. نشریه معماری و شهرسازی آرمان شهر، ۱۳(۳۳)، ۲۶۵-۲۵۳

DOI: 10.22034/AAUD.2021.247081.2310

URL: http://www.armanshahrjournal.com/article_127776.html



